

این سلاح‌ها و مواد، بسیار دشوار است، اما راهکار نیز روشن است. باید جلوی سه چیز را گرفت: بمبهای رها، بمبهای در دست ساخت، کشورهای اتمی تازه.

گیر افتادن (در جنگال تروریستها)

با يك حساب سرانگشتی، اندازه مسئله‌ای که آمریکا برای جلوگیری از گسترش مواد اولیه سلاحهای هسته‌ای با آن روبروست روشن می‌شود. تنها ۸ کشور - چین، فرانسه، هند، اسرائیل، پاکستان، روسیه، انگلستان، و آمریکا - بعنوان کشورهای دارنده جنگ افزار هسته‌ای شناخته شده‌اند، ولی بر پایه برآوردهای سیا، کره شمالی پلوتونیوم کافی برای تولید يك یا دو سلاح اتمی دارد و ۲۴ کشور دیگر رآکتورهای هسته‌ای تحقیقاتی همراه با اورانیوم بسیار غنی شده (HEU) که برای تولید دست کم يك بمب اتمی کافی است در اختیار دارند. بر اساس بهترین برآوردها، بیش از ۳۰/۰۰۰ جنگ افزار اتمی، و اورانیوم بسیار غنی شده و پلوتونیوم کافی برای تولید ۲۴۰/۰۰۰ سلاح اتمی دیگر در جهان وجود دارد.

صدها عدد از این سلاحهای هسته‌ای، در حال حاضر، در شرایطی ذخیره و انبار شده است که می‌تواند بوسیله جانیکناران مصمم دزدیده شود و سپس در اختیار تروریستها قرار گیرد. حتی «بمب‌های در دست ساخت» بیشتری (اورانیوم بسیار غنی شده و پلوتونیوم کافی که تنها عناصر حیاتی برای تولید بمب‌های هسته‌ای است) در معرض سرقت است. کمابیش هر ماه، کسی در جایی به هنگام تلاش برای قاچاق یا سرقت مواد اتمی یا جنگ افزارهای اتمی بازداشت می‌شود. برای نمونه، در اوت گذشته، الکساندر تولیاکف "Alexander Tyulyakov" - معاون مدیر Atomflot (سازمانی که کار تعمیر کشتیهای یخ‌شکن و زیر دریاییهای اتمی روسیه را انجام می‌دهد) - در مورمانسک به اتهام تلاش در این

جورج دبلیو. بوش رئیس جمهوری آمریکا حملات اتمی تروریستی به آمریکا را تهدیدی آشکار در آینده قابل پیش بینی به شمار آورده و درباره این کابوس گفته است که: «مهم ترین اولویت آمریکاییان، جلوگیری از دستیابی تروریستها به جنگ افزارهای ویژه کشتار جمعی است.» با این حال، تاکنون، گفته‌های او با اقداماتش هماهنگی نداشته و دولت بوش هنوز استراتژی منسجمی برای رویارویی با خطر حمله اتمی به دست نداده است. اگر چه در برخی زمینه‌ها پیشرفت‌هایی صورت گرفته اما واشنگتن از عملیات نظامی ویژه خود برای کاهش تهدید نتیجه‌ای به دست نیآورده است. چنانچه واشنگتن روش خود را به سرعت تغییر دهد، به احتمال زیاد حمله تروریستی اتمی به آمریکا در دهه آینده رخ نخواهد داد.

درك تعلل دولت آمریکا دشوار است و به نظر می‌رسد که دولت نتوانسته است این نکته را به درستی دریابد که: در حقیقت، می‌توان از تروریسم اتمی پیشگیری کرد. این نکته‌ای اساسی در فیزیک است که بی‌مواد شکافتنی نمی‌توان به بمب اتمی دست یافت و بنابراین نه بمب اتمی به وجود می‌آید، نه تروریسم اتمی. گذشته از این، می‌توان از دسترسی «شیاطین» به مواد شکافتنی جلوگیری کرد. شگردی برای این کار در حال حاضر وجود دارد: نه روسیه بگذارند چیزی از زرادخانه کرملین به بیرون درز کند، نه چیزی از زرادخانه فورت نوکس (Fort Knox) در آمریکا بیرون برود. باید به درستی از جنگ افزارهای اتمی در دست ساخت محافظت کرد. اگر چنین شود، باز هم تروریستها می‌توانند برای تولید ابزارهای تازه تلاش کنند، اما این کار مستلزم داشتن تأسیسات بزرگی است که قابل رؤیت و در برابر حمله آسیب پذیر خواهد بود.

بنابراین جلوگیری از دسترسی تروریستها به جنگ افزارهای اتمی و مواد مورد نیاز این جنگ افزارها به قدرت اراده و تصمیم کشورها بستگی دارد، نه توانمندیهای فنی آنها. حفاظت از

راهبردی برای جلوگیری از تروریسم اتمی

گراهام آلیسون

مدیر مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی بلوفر (Belfer) در دانشگاه هاروارد

ترجمه صفر علی محمودی

«روز بعد»

زمینه بازداشت شد. وضع به اندازه‌ای بد است که سه سال پیش هوارد بیکر "Howard Baker" سفیر کنونی آمریکا در ژنوا و رهبر سابق جمهوریخواهان در سنا گفت: «مغز من سوت می‌کشد وقتی می‌شنوم ۴۰/۰۰۰ یا شاید ۸۰/۰۰۰ سلاح اتمی در اتحاد شوروی سابق وجود دارد، که به درستی کنترل نمی‌شود و روش نگهداری آنها مناسب نیست، و جهان نیز از ترس این خطر به مرز جنون نمی‌رسد.

استدلال بوش بر ضد صدام حسین، این بود که «اگر رژیم عراق بتواند اندکی بیش از یک توپ بیس‌بال اورانیوم تولید کند، یا سرقت کند، ممکن است در کمتر از یک سال به سلاح اتمی دست یابد.» آنچه بوش به آن اشاره نکرد این بود که با همان مقدار اورانیوم بسیار غنی شده، القاعده، حزب الله، یا حماس نیز می‌توانند به جنگ افزار اتمی دست یابند. سلاح‌های اتمی بی‌درنگ پس از ساخته شدن می‌تواند در سرتاسر مرزهای آمریکا به آسانی قاچاق شود. برای نمونه، از ۷ میلیون کاتینر باری که امسال به بندرهای آمریکا می‌رسد تنها دو درصد از آنها بازرسی می‌شود و شاید روزی این سلاحها در خاک آمریکا به کار گرفته شود. پیش از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، بسیاری از کارشناسان استدلال می‌کردند که بعید است تروریست‌ها شمار زیادی انسان را نابود کنند، زیرا هدفشان افزایش شمار قربانیان نیست، بلکه می‌خواهند درباره اهداف و آرمانهایشان تبلیغ کنند و همدلی مردمان را به دست آورند. با این همه، پس از حمله‌هایی که به پنتاگون و مرکز تجارت جهانی شد، کمتر کسی با این گفته بوش مخالف بود که اگر القاعده به سلاح‌های اتمی دست یابد، در به کار گرفتن آنها بر ضد آمریکا درنگ نخواهد کرد. در واقع، سلیمان ابوقیس، سخنگوی رسمی اسامه بن لادن، اعلام کرده است که خواست این گروه کشتار «چهار میلیون آمریکایی، از جمله یک میلیون کودک» در واکنش به تلفاتی است که به ظاهر از سوی آمریکا و اسرائیل بر مسلمانان وارد آمده است.

● **جلوگیری از دسترسی تروریست‌ها به جنگ افزارهای اتمی و مواد مورد نیاز این جنگ افزارها به قدرت اراده و تصمیم کشورها بستگی دارد، نه توانمندیهای فنی آنها.**

اگر حمله‌ای اتمی - تروریستی به آمریکا شود، نخستین پرسش این خواهد بود که چه کسی آنرا انجام داده و بمب را از کجا به دست آورده است. اسامه بن لادن در آغاز فهرست متهمان احتمالی قرار خواهد گرفت. اما اینکه چه کسی بمب را در اختیار او گذاشته است، چندان روشن نخواهد بود: روسیه، پاکستان، کره شمالی، یا شاید او کر این یا غنا. به گمان، روسیه در آغاز فهرست (عرضه کنندگان احتمالی بمب هسته‌ای) قرار می‌گیرد؛ نه به سبب دشمنی (با آمریکا) بلکه به علت گستردگی زرادخانه اتمی اش، که بخش بزرگی از آن هنوز در برابر دزدی عوامل خودی آسیب پذیر است. پاکستان به سبب ارتباطات جاری بین سازمانهای امنیتی اش و القاعده، و نیز سلسله مراتب فرماندهی نامطمئن بر سلاحهای اتمی اش، در رده دوم جای خواهد گرفت. کره شمالی، بعنوان بی‌بندوبارترین کشور تولیدکننده سلاح در جهان، که پیش از این موشک‌هایی به عراق، پاکستان، عربستان و... فروخته است نیز مورد بدگمانی خواهد بود. همچنین است در مورد او کر این و غنا که با کمک شوروی دارای رآکتورهای اتمی تحقیقاتی با اورانیوم بسیار غنی شده و کافی برای تولید سلاح اتمی شده‌اند. جالب است که عراق در دوران صدام، در شماره ده کشور مظنون در بالای فهرست نبوده است.

دولت جورج بوش پس از یازده سپتامبر گامهایی در راه کاهش خطر حمله اتمی از سوی تروریست‌ها برداشته است؛ به پایگاههای آموزشی القاعده در افغانستان و در سرتاسر جهان حمله کرده و بیش از یکصد کشور را در تلاشی جهانی برای همکاری اطلاعاتی، اجرای قوانین ضد تروریسم، و محدود کردن منابع مالی تروریست‌ها هماهنگ کرده است. بوش بارها اعلام کرده است که گسترش سلاحهای ویژه کشتار جمعی (WMD) «غیر قابل تحمل» است و همپیمانان اصلی آمریکا را نیز به صدور اعلامیه‌های مشابه واداشته است. همچنین،

است. بوش به همکاری آمریکا و روسیه برای حفاظت از سلاح‌ها و مواد هسته‌ای شوروی سرعت نداده است؛ در نتیجه، پس از يك دهه تلاش، نیمی از باقیمانده زرادخانه شوروی سابق به گونه‌ای نامناسب نگهداری می‌شود. بر سر هم، دولت بوش برای دگرگون کردن این شیوه رایج که هر کشور در مورد چگونگی حفاظت از سلاحها و مواد هسته‌ای در قلمرو خود تصمیم می‌گیرد، تلاش نکرده است. بیش از یکصد جنگ‌افزار اتمی بالقوه مانند سلاح‌هایی که از صربستان بیرون کشیده شد، هنوز در دوازده کشور در معرض سرقت قرار دارد.

در این زمینه، نمی‌توان به عراق اشاره نکرد. دولت بوش از خطر همکاری صدام با تروریستها به منظور دسترسی آنها به سلاحهای کشتار جمعی نام می‌برد، به گونه‌ای که این امر نقشی تعیین کننده در راه‌اندازی جنگ داشت. ناتوانی دولت بوش در یافتن شواهدی از این سلاحها، به اعتبار دولت او در زمینه سلاحهای ویژه کشتار جمعی لطمه زده و درباره توانایی و شایستگی دستگاه اطلاعاتی آمریکا تردید بوجود آورده است. گذشته از این، در يك سال و نیمی که آمریکا می‌کوشید پشتیبانی کشورهای دیگر از سیاستش درباره عراق را جلب کند، کشورهایی توانستند اجرای برنامه‌های اتمی‌شان را شتاب بخشند. از این رو اکنون، مبارزه جدی برای جلوگیری از تروریسم اتمی، نسبت به زمان پیش از جنگ عراق، بسی دشوار تر شده است.

پیشگیری از تروریسم اتمی نیازمند يك استراتژی همه‌جانبه است: راهبردی که از دسترسی (تروریستها) به سلاحها و مواد اتمی از همان آغاز جلوگیری کند، آنها را در مرزها شناسایی کند، و از مسیرهای احتمالی ارسال این سلاح‌ها مراقبت کند و نیز به انگیزه‌ها و ابزارهای (اعمال تروریستی) بپردازد. حمله جسورانه برای از هم پاشاندن و نابود کردن سازمان یا کسانی که ممکن است به آمریکا حمله کنند باید پدافند سنگین در داخل کشور پیوند زده شود. هنوز

بوش چندی پیش قطعنامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد که بر اساس آن تکثیر سلاح‌های ویژه کشتار جمعی جرم شمرده می‌شود. نیز طرح افزایش امنیت سلاح‌های ویژه کشتار جمعی (Proliferation Security Initiative) بر پایه همکاری یازده کشور - را ارائه کرده که بر اساس آن با توسعه چارچوب‌های حقوقی موجود، کشتیهای مشکوک به حمل سلاح‌های ویژه کشتار جمعی در آبهای آزاد بازرسی می‌شوند. همچنین، پس از تردیدهای اولیه، دولت بوش «برنامه کاهش خطر» موسوم به Nunn - Lugar Cooperative Threat Reduction Program را به منظور ایمن‌سازی و برچیدن سلاحهای اتمی شوروی سابق پذیرفته و از دیگر اعضای «گروه هشت» متشکل از مهم‌ترین کشورهای صنعتی را خواسته است به تعهد يك میلیارد دلاری سالانه و اشنگتن برای اجرای این برنامه در دهه آینده بپیوندند. همچنین آمریکا با روسیه برای بیرون آوردن سه سلاح اتمی بالقوه از [دست دولت] صربستان و يك سلاح اتمی بالقوه از رومانی همکاری کرده است.

اما فهرست بلند بالای اقدامات انجام نشده از سوی دولت بوش نگران کننده است. بوش تروریسم اتمی را اولویتی شخصی برای خودش یا کسانی که بی‌واسطه به او گزارش می‌دهند، ندانسته است و پیشنهادهای سناتور لوگار (سناتور جمهوریخواه از ایالت ایندیانا) و سناتور پیشین «سام‌تان» (دموکرات از ایالت جورجیا) و دیگران مبنی بر اینکه مسئولیت این امر را به فرد خاصی واگذارد که از این پس بتواند پاسخگو باشد، مخالفت کرده است. بدین سان، اگر رئیس‌جمهوری امروز از کابینه‌اش بپرسد که چه کسی مسئول پیشگیری از تروریسم اتمی است، آیا دوازده عضو کابینه دستهایشان را بالا خواهند برد، یا کسی این مسئولیت را نخواهد پذیرفت؟ همچنین بوش منظورش را از ضرورت و فوریت مبارزه با خطر تروریسم اتمی به خوبی به رؤسای جمهوری روسیه و پاکستان تفهیم نکرده

● تنها ۸ کشور - چین، فرانسه، هند، اسرائیل، پاکستان، روسیه، انگلستان، و آمریکا - بعنوان کشورهای دارنده جنگ‌افزار هسته‌ای شناخته شده‌اند، ولی بر پایه برآوردهای سیا، کره شمالی پلوتونیوم کافی برای تولید يك یا دو سلاح اتمی دارد و ۲۴ کشور دیگر راکتورهای هسته‌ای تحقیقاتی همراه با اورانیوم بسیار غنی شده (HEU) که برای تولید دست کم يك بمب اتمی کافی است در اختیار دارند. بر اساس بهترین برآوردها، بیش از ۳۰/۰۰۰ جنگ‌افزار اتمی، و اورانیوم بسیار غنی شده و پلوتونیوم کافی برای تولید ۲۴۰/۰۰۰ سلاح اتمی دیگر در جهان وجود دارد.

ممکن است واشنگتن ناگزیر از اقدام یکجانبه باشد، زیرا نخواهد توانست کشورهای دیگر را وادار سازد که گامهای ضروری (برای مبارزه با تروریسم اتمی) بردارند. مبارزه موفقیت آمیز با تروریسم نیازمند گردش آوری اطلاعات از کشورهای گوناگون و همکاری پلیس محلی است. برای نمونه، دستگیری مغز متفکر القاعده در جنوب شرق آسیا در تابستان گذشته حاصل دریافت خبری از همسایگان مظنون بود، که موضوع را به مقامات تایلند اطلاع دادند و، آنها نیز به نوبه خود، سیارا در جریان گذاشتند. اگر اتباع و دولتهای خارجی به درستی تشویق شوند، می توانند نقش بزرگی در پیگرد و دستگیری تروریستها بازی کنند؛ و گر نه همین کشورها به محیط جذابی برای کار و مخفی شدن تروریست ها بدل می شوند.

شاه بیت مبارزه جدی با تروریسم اتمی (یعنی استراتژی مبتنی بر نفی سه چیز: بمب های اتمی رها، بمب های اتمی در دست ساخت، و کشورهای اتمی تازه) جلوگیری از دسترسی تروریست ها به این جنگ افزارها و عناصر سازنده آنهاست؛ و سرانجام مبارزه با سلاح های اتمی یا مبارزه با مواد مورد نیاز برای ساخت سلاح های اتمی، به معنی نابودی تروریسم اتمی است؛ به همین سادگی.

در نخستین بخش این استراتژی - یعنی مبارزه با بمب های هسته ای رها - باید بیندنگ از همه سلاح های اتمی حفاظت کامل بشود، یا مواد قابل بهره گیری در سلاح های اتمی زیر یک «استاندارد امنیت بین المللی» قرار گیرد تا تضمین لازم برای جلوگیری از دسترسی تروریست ها به این سلاح ها یا قطعات سازنده آنها حاصل گردد. آمریکا و روسیه باید با هم چنین استانداردی را به دست دهند و ببندنگ برای نگهداری از سلاح ها و مواد هسته ای شان به گونه بسیار شفاف وارد عمل شوند تا مطمئن شوند که زرادخانه هایشان نمی تواند مورد دستبرد تروریست ها قرار گیرد. پس از آن، مسکو و واشنگتن باید به سرعت به دیگر کشورهای

دارنده سلاح های اتمی روی آورند و از آنها بخواهند این استاندارد جدید را برای برقراری امنیت اتمی بپذیرند و دیگر اعضای باشگاه اتمی نیز از همکاری واشنگتن و مسکو در این زمینه اطمینان یابند. در صورت لزوم، باید کمک فنی برای ایجاد استانداردها ارائه شود. آمریکا و روسیه همچنین باید روشن کنند که درباره این درخواست نمی توان چانه زنی کرد.

همزمان با این امر، در یک «مبارزه جهانی برای پاکسازی» همه بمب های اتمی در آستانه تولید باید از همه کشورهای دیگر در عرض دوازده ماه برچیده شود. از آنجا که در همه راکتورهای اتمی تحقیقاتی در کشورهای فاقد سلاح اتمی مواد شکافتنی وجود دارد که آنها را از آمریکا یا از روسیه دریافت کرده اند، هم آمریکا و هم روسیه حق کامل قانونی دارند که بازگرداندن آن مواد را درخواست کنند. شاید برای رسیدن به این هدف پرداخت خسارات یا غرامت و چانه زنی لازم باشد؛ اما آمریکا و روسیه نباید به این خواسته پاسخ منفی دهند.

لازمه جلوگیری از بمب های اتمی در آستانه تولید، این است که اطمینان حاصل شود که همه کشورهایی که گام به راه اتمی شدن نهاده اند، بویژه ایران و کره شمالی، از تولید اورانیوم بسیار غنی شده و پلوتونیوم دست می کشند. این کار باید در چارچوب بازرسی های پیش بینی شده در پیمان منع گسترش جنگ افزاری اتمی (NPT) و آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA)، از جمله پروتکل الحاقی به پیمان منع گسترش سلاح های اتمی که بازرسی های سرزده بیشتری از مکان های اتمی مشکوک را اجازه می دهد، صورت گیرد. ولی باید دو عنصر دیگر را نیز به رویه کنونی افزود: ممنوعیت تولید مواد شکافتنی، و بهره گیری از ابزارهای واقعی برای این منظور. بهره گیری از ابزارهای لازم باید با تحریم سیاسی و اقتصادی «کشورهای سرکش» آغاز شود اما این کار در صورت لزوم باید با تهدیدها و کاربرد نیروی نظامی، خواه به گونه مخفی یا آشکار باشد. نظارتهای صادراتی سنگین و امکانات اطلاعاتی

● استدلال بوش بر ضد صدام حسین، این بود که «اگر رژیم عراق بتواند اندکی بیش از یک توپ بیس بال اورانیوم تولید کند، بخرد، یا سرقت کند، ممکن است در کمتر از یک سال به سلاح اتمی دست یابد.» آنچه بوش به آن اشاره نکرد این بود که با همان مقدار اورانیوم بسیار غنی شده، القاعده، حزب الله، یا حماس نیز می توانند به جنگ افزار اتمی دست یابند.

بسیار توانمند (بویژه با بهره‌گیری از عوامل انسانی) باید بر پیشگیری از تولید جنگ افزارهای اتمی در کشورهای گوناگون و جلوگیری از فروش این سلاحها از سوی عرضه کنندگان بالقوه متمرکز شود. تصویب پیش نویس پیمان منع جامع آزمایشهای اتمی (CTBT) (که دولت بوش آنرا به رغم پشتیبانی چهار تن از رؤسای پیشین ستاد مشترک ارتش، از جمله کالین باول، رد کرده است) و نیز مذاکرات مربوط به پرهیز از تولید مواد شکافتنی در کشورهای دارای جنگ افزارهای اتمی، این اصل را تقویت خواهد کرد.

مورد ایران آزمونی تعیین کننده برای این راهبرد تازه خواهد بود. دولت بوش اعلام کرده است که ایالات متحده «ساخت سلاح اتمی از سوی ایران را تحمل نخواهد کرد» و حمایت‌هایی نیز در این زمینه از همپیمانان خود دریافت کرده است. جسارت آمریکا، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را واداشته است که از ایران بخواهد گزارش کاملی از فعالیت‌های اتمی گذشته و کنونی خود به دست دهد. اگر ایران نپذیرد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پرونده را به شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهد فرستاد. تفاوتهایی میان رهیافت کنونی دولت بوش و رهیافت پیشنهادی ما در زمینه مخالفت با «بمب‌های در آستانه تولید» وجود دارد. دولت بوش ادعا کرده که ایران عضوی از «محور شرارت» است و آنرا به تغییر رژیم تهدید کرده است. دولت بوش تلاش دارد تاروسیه را راضی به دست کشیدن از ساخت نیروگاه اتمی آب سبک بوشهر کند؛ ضمن اینکه حمایت لفظی شرکای تجاری ایران در اروپا را نیز به دست آورده است. در مقابل، راهکار پیشنهادی ما تنها بر یک هدف متمرکز خواهد بود: محروم ساختن ایران از موادی که ممکن است در ساخت سلاحهای اتمی به کار رود. این موضوع به معنی جلوگیری از غنی‌سازی اورانیوم یا فرآوری مجدد سوخت مصرف شده برای تولید پلو تونیوم از سوی ایران خواهد بود. بوش و شریکش ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه باید به ایران یادآوری کنند که امضای پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی به

معنی خودداری از تولید سلاحهای اتمی است و از ایران بخواهند که با ارائه شواهد لازم هرگونه تأسیسات موجود برای غنی‌سازی و فرآوری مجدد را برچینند.

واشنگتن برای به دست آوردن حمایت مسکو، باید تکمیل راکتور اتمی بوشهر از سوی روسیه و نقش روسیه را به عنوان عرضه کننده سوخت اتمی برای این راکتور بپذیرد و ابتکار تحقیق مشترک روسیه- آمریکا را برای تأسیس نیروگاه‌های برق اتمی جدیدی که قابل گسترش به کشورهای دیگر نباشد به دست گیرد و موافقت کند که روسیه به محل امنی برای نگهداری سوخت اتمی مصرف شده بین‌المللی بدل شود. سوخت اتمی به بهای مناسب با مالکیت و نظارت روسیه در اختیار نیروگاه اتمی بوشهر قرار گیرد و در پایان چرخه سوخت، از ایران خارج شود. (حتی وزیر انرژی اتمی روسیه برای همکاری آمریکا- روسیه به منظور تأمین این سوخت اعلام آمادگی کرده است). برای وادار کردن ایران، آمریکا و روسیه باید به تهران نشان دهند که برای جلوگیری از دستیابی ایران به توانایی تولید مواد شکافتنی، آماده اند به هر کاری دست زنند.

برای جلوگیری از سربر آوردن کشورهای جدید دارای سلاح اتمی نباید گذاشت که قدرت اتمی جدیدی به ۸ کشور کنونی دارای سلاح اتمی اضافه شود و به روشنی باید گفت که «دیگر بس است».

چهار دهه پیش، جان اف. کندی، رئیس جمهوری فقید آمریکا پیش‌بینی کرده بود که تا پایان دهه ۱۹۷۰، بیست و پنج کشور دارای سلاح اتمی خواهند بود. پیش‌بینی بدبینانه او به این معنی بود که وقتی کشورها توانایی علمی و فنی برای تولید سلاحهای اتمی به دست آورند به تولید آن خواهند پرداخت؛ ولی بر اثر تلاشهای دوراندیشانه بین‌المللی، مانند پیمانها، تضمین‌های امنیتی، و تهدیدهای آشکار و پنهان، بیشتر کشورها از دستیابی به سلاحهای اتمی چشم‌پوشی کرده‌اند. بر اساس پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی، که در سال ۱۹۶۸ امضاء شد و در سال ۱۹۹۵ به گونه

● سلیمان ابوقیس، سخنگوی رسمی اسامه بن لادن، اعلام کرده است که خواست این گروه کشتار «چهار میلیون آمریکایی، از جمله یک میلیون کودک» در واکنش به تلفاتی است که به ظاهر از سوی آمریکا و اسرائیل بر مسلمانان وارد آمده است.

نامحدود تمدید گردید، ۱۸۴ کشور پذیرفتند که از دستیابی به چنین سلاح‌هایی پرهیز کنند، و در واقع، کشورهای دارای جنگ افزار اتمی متعهد شدند که بیدرنگ نقش سلاح‌های اتمی را در سیاست بین‌الملل کاهش دهند. اما با توجه به بمب‌های در آستانه تولید، اجرای پیمان مذکور با مشکل روبه‌رو شده است.

در دوران جنگ سرد، ابرقدرت‌های رقیب، خود بعنوان مجری، از گسترش سلاح‌های اتمی در کشورهای زیر نفوذشان جلوگیری می‌کردند. از این نظر آمریکا جلوی آرزوهای کره جنوبی و تایوان را در این زمینه گرفت، و اتحاد شوروی، کره شمالی را از دستیابی به سلاح‌های اتمی منصرف کرد. زمانی که اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ فروپاشید و سلاح‌های اتمی در اوکراین، قزاقستان و روسیه سفید (بیلوروسی) رها شد، همکاری نزدیک آمریکا-روسیه می‌توانست این سلاح‌ها را نیز از میان ببرد. همه ۴۰۰۰ (چهار هزار) کلاهک اتمی برای نابود شدن به روسیه برگردانده و به کشورهای تازه استقلال یافته، از راه تأمین سوخت هسته‌ای برای رآکتورهای اتمی شان غرامت پرداخت شد. اما آمریکا و روسیه پس از آن نتوانستند استراتژی مشترکی برای پرداختن به جنگ افزارهای اتمی در جاهای دیگر در پیش گیرند. در نتیجه، پاکستان و هندوستان هر دو سلاح‌های اتمی شان را در دهه ۱۹۹۰ آزمایش و خود را از اعضای باشگاه اتمی اعلام کردند.

موردی از آزمون برای سنجش سیاست جلوگیری از سربرآوردن کشورهای اتمی تازه، کره شمالی خواهد بود. همان‌گونه که ویلیام پری، وزیر دفاع پیشین آمریکا گفته است، کره شمالی به صورت «خطرناک‌ترین نقطه در روی زمین» باقی مانده است. اگر کره شمالی به سیاست کنونی خود ادامه دهد به زودی خواهد توانست دوازده جنگ افزار اتمی در سال تولید کند. اگر کره شمالی بتواند به این هدف برسد، به احتمال زیاد، کره جنوبی و ژاپن نیز پیش از پایان دهه کنونی به تولید بمب اتم خواهند پرداخت.

ممکن است تایوان نیز با دست زدن به چنین کاری خطر جنگ با چین را بپذیرد. پیونگ یانگ که هم‌اکنون مهمترین عرضه کننده موشک در جهان است، می‌تواند به نوعی فروشنده سلاح‌های اتمی به هر کس که پول بدهد. از جمله تروریست‌ها - تبدیل شود. در این صورت مورخان آینده به حق به سرزنش رهبران امروزی برای غفلتشان خواهند پرداخت. در حال حاضر تهدید ناشی از پیونگ یانگ دارد از کنترل خارج می‌شود و خیلی خطرناک‌تر از زمانی است که بوش به قدرت رسید. برخی از اعضای دولت بوش به ظاهر به این نتیجه رسیده‌اند که این مسئله هنوز به نقطه غیرقابل بازگشت نرسیده است و برآنند که به گونه‌ای با کره شمالی کنار آیند تا مورد سرزنش واقع نشوند. ولی برعکس، گام نخست در استراتژی پیشنهادی ما پافشاری روشن در مورد غیر اتمی کردن کره شمالی است. این استراتژی تنها بر همین هدف متمرکز است و اهداف دیگر، بویژه تغییر رژیم را در مرحله بعد قرار می‌دهد. با وجود محبوب نبودن این رژیم، آمریکا اولویت‌هایی مهم‌تر از رها شدن از دست آن دارد. دولت بوش باید فسوریت این تهدید را بپذیرد. تکیه کلام آمریکا مبنی بر اینکه «بحرانی وجود ندارد» به ظاهر برای جلوگیری از کاهش توجه به عراق اتخاذ شده است و این موضوع کمک چندانی به منافع آمریکا نکرده است. همچنین بوش باید به پوتین و هوجین تائو "Hu Jin tao" رئیس جمهوری چین، پیامدهای اتمی شدن کره شمالی برای کشورهایشان را گوشزد کند. همکاری فعال در متوقف کردن پیونگ یانگ آزمون بزرگی برای روابط امنیتی روسیه و چین با واشنگتن خواهد بود. دولت بوش باید مخالفت‌هایش را کنار بگذارد و بیدرنگ پیشنهاد کره شمالی را برای گفتگوهای دوجانبه بپذیرد. اینکه کره شمالی ادعا می‌کند تنها آمریکا می‌تواند نگرانی‌های امنیتی‌اش را برطرف کند، حرف درستی است. گفتگوهای مستقیم، به واشنگتن امکان می‌دهد این فرض

● اگر کره شمالی به سیاست کنونی خود ادامه دهد به زودی خواهد توانست دوازده جنگ افزار اتمی در سال تولید کند. اگر کره شمالی بتواند به این هدف برسد، به احتمال زیاد، کره جنوبی و ژاپن نیز پیش از پایان دهه کنونی به تولید بمب اتم خواهند پرداخت. ممکن است تایوان نیز با دست زدن به چنین کاری خطر جنگ با چین را بپذیرد.

تروریسم اتمی با هدف کاهش این تهدید از راه هر اقدام عملی، فنی، و سیاسی ممکن برای جلوگیری از دستیابی تروریست‌ها به جنگ افزارها و مواد اتمی بسیج شوند.

برپایی این ائتلاف باید با روسیه آغاز شود، زیرا روابط شخصی نزدیک بوش و پوتین در این مورد امتیاز بزرگی خواهد بود. روسیه از این تصور که شانه به شانه آمریکا خواهد بود در پوست نمی‌گنجد، آنهم در زمینه‌ای که شاید هنوز ادعای کند در آن ابر قدرت است. آمریکاییان و روسها باید بپذیرند که تعهدی ویژه برای رویارویی با این مشکل دارند، زیرا سلاحهای اتمی، ساخته آنهاست و هنوز هم ۹۵ درصد از کل این سلاحها و مواد اتمی را در اختیار دارند. اگر آنها پشتکار تازه‌ای برای کاهش این خطر نشان دهند، خواهند توانست با اطمینان از چین بخواهند که به همین سان ضریب امنیت جنگ افزارها و مواد اتمی‌اش را بالا ببرد. چین نیز (به نوبه خود) می‌تواند پاکستان را وارد این چرخه کند و بدین ترتیب دیگر اعضای اتمی به سرعت این روش را پی خواهند گرفت.

بی‌چون و چرأ، مخالفتها و اعتراضهایی درباره این بی‌عدالتی که برخی کشورها اجازه برخورداری از جنگ افزارهای اتمی را دارند و در همان حال دیگر کشورها از این حق برخوردار نیستند صورت خواهد گرفت؛ اما این نابرابری پیش از این در پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی "NPT" گنجانده شده است که همه کشورهای فاقد جنگ افزارهای اتمی غیر از کره شمالی امضاء کننده آن هستند. گرچه این پیمان نیز به ظاهر کشورهای دارنده سلاح اتمی را در مرحله نهایی به از میسان بردن جنگ افزارهای اتمی خود متعهد می‌کند، اما هرگز زمان مشخصی برای این امر تعیین نکرده است، و با نگاهی واقع بینانه به موضوع، انتظار نمی‌رود که در آینده قابل پیش بینی چنین چیزی رخ دهد.

خود را که «کیم جونگ ایل» پیش از هر چیز به بقای خود می‌اندیشد، آزمایش کند. آمریکا باید به او معامله‌ای پیشنهاد کند: بقاء در برابر خلع سلاح اتمی. این معامله عرضه کننده پاداشی بزرگ و نیز تهدیدی بزرگ است. چنانچه کره شمالی حاضر شود آشکارا و با ارائه شواهد لازم از تلاش برای دستیابی به سلاحهای اتمی دست بکشد و تأسیسات تولید جنگ افزارهای اتمی را برچیند، در آن صورت آمریکا نیز باید آشکارا تعهد کند که هرگونه تلاش برای تغییر رژیم کره شمالی از راه زور را متوقف سازد. همچنین آمریکا باید کمکهای اقتصادی فراوانی از راه کره جنوبی و ژاپن در اختیار کره شمالی بگذارد و کره جنوبی و ژاپن این آمادگی را دارند که چنانچه کره شمالی از داشتن بمب اتمی منصرف شود، این کمکها را ارائه کنند. با این حال، اگر کره شمالی نتواند با ارائه شواهد لازم دستیابی به سلاحهای اتمی را کنار بگذارد و بر تلاشهای کنونی‌اش با فشاری کند، آمریکا باید کره شمالی را با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون از جمله نیروی نظامی مورد تهدید قرار دهد. نتیجه و پیامد حمله پیشگیرانه به تأسیسات اتمی کره شمالی، هر اندازه وحشتناک باشد، بی‌گمان از اینکه کره شمالی با دستیابی به سلاح اتمی مبادرت به فروش آن به القاعده و تروریست‌های دیگر کند، بدتر نخواهد بود.

ائتلاف بزرگ

چنان که دیدیم، آمریکا نمی‌تواند به گونه یکجانبه جنگ با تروریسم اتمی را به عهده گیرد یا ادامه دهد. آمریکا به چنین تلاشی نیاز ندارد زیرا همه قدرتهای بزرگ امروزی در این مبارزه منافع مشترک دارند. هر یک از این قدرتها، دلایل کافی برای ترس و نگرانی از دسترسی تروریستها به جنگ افزارهای اتمی دارد؛ خواه این تروریستها وابسته به القاعده، چینی یا از جدایی خواهان چینی باشند. بنابراین همه قدرتهای بزرگ می‌توانند در یک ائتلاف جهانی تازه برضد

● اینک کره شمالی ادعا می‌کند تنها آمریکا می‌تواند نگرانیهای امنیتی‌اش را برطرف کند، حرف درستی است. گفتگوهای مستقیم، به واشنگتن امکان می‌دهد این فرض خود را که «کیم جونگ ایل» پیش از هر چیز به بقای خود می‌اندیشد، آزمایش کند. آمریکا باید به او معامله‌ای پیشنهاد کند: بقاء در برابر خلع سلاح اتمی.

بین می‌برد. بر اساس این استراتژی «پناه دهندگان به تروریست‌ها به اندازه خود تروریست‌ها مجرم شمرده می‌شوند». رئیس‌جمهوری آمریکا به نیروهای نظامی آمریکا دستور داد که رژیم طالبان را در افغانستان سرنگون کنند. هر چند این اصل تازه هنوز در حقوق بین‌الملل جا باز نکرده است، اما در عمل به قاعده‌ای «دوفاکتو» در روابط بین‌الملل بدل شده است. هر حکومتی که آگاهانه از اعضای القاعده یا هم‌تائانشان میزبانی و پشتیبانی کند، خود را در معرض حمله قرار می‌دهد. درست است که این اقدام که فراتر از جنگ جاری بر ضد تروریسم و جنگی جدی بر ضد تروریسم اتمی به‌شمار می‌آید، اقدامی بلندپروازانه است، اما این جهش بزرگتر از مسافتی نیست که پس از یازده سپتامبر پیموده شده است.

امروزه آمریکا و هم‌پیمانانش قدرت تعیین و اعمال محدودیتهای جهانی تازه بر جنگ‌افزارهای اتمی را دارند. با این حال، برای قبولاندن این آیین، باید شیوه‌ای مشترک برای برچیدن جنگ‌افزارهای اتمی و زدودن تهدیدهای اتمی از امور بین‌المللی در پیش گیرند. آمریکا و روسیه باید برنامه‌های جاری برای کاهش زرادخانه‌هایشان را سرعت دهند. گذشته از این دولت بوش باید برنامه‌های خود را برای تولید «بمب‌های کوچک» کنار بگذارد.

آیا روند و مسیر اقداماتی که در بالا گفتیم ممکن و پذیرفتنی است؟ چنین به نظر می‌رسد که اثرات این اقدام از چارچوب «آموزه بوش» فراتر می‌رود. با این استراتژی، دولت بوش به گونه‌ای یکجانبه حاکمیت کشورهای حامی تروریسم را از

● آمریکا نمی‌تواند

به گونه‌ای یکجانبه جنگ با تروریسم اتمی را به عهده گیرد یا ادامه دهد. آمریکا به چنین تلاشی نیاز ندارد زیرا همه قدرتهای بزرگ امروزی در این مبارزه منافع مشترک دارند. هر یک از این قدرتها، دلایل کافی برای ترس و نگرانی از دسترسی تروریست‌ها به جنگ‌افزارهای اتمی دارد؛ خواه این تروریست‌ها وابسته به القاعده، چینی یا از جدایی خواهان چینی باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی